

## پیوند واژگانی و معنایی بیتی از حافظ با آیین مهرپرستی

خسرو قاسمیان، دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشیار دانشکدهٔ پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

[khosrowghasemian@gmail.com](mailto:khosrowghasemian@gmail.com)

چکیده

هرچند در قلمرو شعر حافظ، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است، هنوز می‌توان از زاویه‌های مختلف به آن پرداخت و مطالب تازه‌ای در پیوند با آن ارائه کرد. در این مقاله، یک بیت از غزل حافظ، یعنی: «ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر / سپیده‌دم که هوا چاک زد شعار سیاه»، به منظور نشان دادن پیوند میان آن با آیین مهرپرستی مورد توجه و تحلیل قرار گرفته است. شیوه‌ی رسیدن به هدف مورد اشاره، از طریق مشخص کردن ضبط دقیق واژه‌های بیت و خوانش درست‌تر آن، نقد نظر چند تن از حافظ‌شناسان درباره‌ی آن و اثبات پیوند میان واژه‌های کلیدی و مهم بیت با نمادهای مطرح در آیین مهرپرستی به کمک نشانه‌های درون متنی و برون متنی صورت گرفته است. دست‌آورد عمده‌ی این پژوهش، تقویت نظریه‌ی توجه و رویکرد حافظ به آیین میتراپیسم یا مهرپرستی و روشن‌تر از پیش نمودن فضای نیمه تاریک مسأله است.

کلیدواژه‌ها: حافظ، آیین مهرپرستی، طریقت مهر، هوا، سپیده‌دم.

### ۱- مقدمه

شعر حافظ از ظرفیت و ظرافت‌های شاعرانه و تاریخی قابل توجهی برخوردار است و استعداد پژوهش‌های مختلف را نیز دارد. در این مقاله، بیت: «ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر / سپیده‌دم که هوا چاک زد شعار سیاه» از حافظ، به منظور نشان دادن پیوند میان آن با آیین میتراپیسم یا مهرپرستی مورد توجه و واکاوی قرار گرفته است. شیوه‌ی بررسی موضوع برای رسیدن به هدف پژوهش، این‌گونه صورت گرفته است که نخست به کمک مقایسه‌ی آماری از یازده نسخه‌ی چاپی و مطرح دیوان حافظ، ضبط درست‌تر واژه‌های کلیدی بیت روشن و پس از آن به نقد نظر چند تن از حافظ‌شناسان درباره‌ی بیت پرداخته شده است و در نهایت، با بررسی‌های درون متنی، یعنی پاره‌ای همانندی‌های واژگانی بیت با برخی

نمادهای آیین مهرپرستی و پژوهش‌های برون‌متنی، یعنی اسناد مربوط به آیین مهرپرستی، موضوع مورد مناقشه‌ی میان حافظ پژوهان، یعنی توجه داشتن حافظ به آیین مهری، بررسی و موضوع، بیش از پیش تقویت و روشن شده است.

## ۲- زمینه بحث و تحلیل

برای رسیدن به هدف اصلی مقاله، یعنی توجه و رویکرد حافظ به آیین مهرپرستی در بیت: «ز دوستان تو آموخت در طریقت مهر / سپیده‌دم که هوا چاک زد شعار سیاه»، از یک سو، بررسی ضبط مناسب‌تر واژه‌های بیت به خصوص واژه‌های «دوستان» و «هوا» و از سوی دیگر روشن شدن فاعل و مفعول و پاره‌ای پیوندهای دیگر آن و چگونگی خوانش ترکیب «طریقت مهر» درخور اهمیت و راهگشاست.

بی‌گمان تشخیص و ترجیح ضبط «دوستان» بر «آستان» و «هوا» بر «صبا» و «سحر» که در برخی نسخه‌های دیوان حافظ دیده می‌شود، نخستین مرحله برای رسیدن به هدف نهایی مقاله است. بر همین اساس، با مراجعه به متن یازده نسخه چاپی قابل توجه‌تر دیوان، مشاهده شد<sup>۲</sup> که در متن هفت نسخه «خانلری»، «نیساری»، «سایه»، «عیوضی»، «نایینی و نظیر احمد»، «جاوید و خرمشاهی» و «راستگو»، ضبط «دوستان» و «هوا» آمده است و در سه نسخه «قدسی»، «قزوینی» و «انجوی»، ضبط «دوستان» و «صبا» و در یک نسخه خرمشاهی، ضبط «آستان» و «صبا». بنابراین، بر اساس این آمار، از یازده نسخه قابل توجه، ده نسخه، ضبط «دوستان» و هفت نسخه، ضبط «هوا» را دارد که از یک سو، با عنایت به این آمار و از سوی دیگر، با توجه به حضور کلمه «هوا» در بیت حافظ و این مطلب که «هوا» جزو اصطلاحات آیین مهری است و از طرفی دیگر نیز، با در نظر گرفتن ترکیب «طریقت مهر» و برخی نکته‌های دیگر، می‌توان به ترجیح ضبط «دوستان» و «هوا» بر ضبط‌های معادل آن‌ها در بیت، رأی داد و به کمک دیگر پیوندهای درون‌متنی و برون‌متنی، رویکرد حافظ را به آیین مهرپرستی تقویت و روشن نمود.

برخی از حافظ‌پژوهان، ترکیب «طریقت مهر» را با اضافه کردن طریقت به مهر و برخی با مکتب بعد از طریقت خوانده‌اند که هرچند وجه دوم نیز به نحوی توجیه‌پذیر است، اضافه شدن طریقت به مهر، قابل قبول‌تر است؛ زیرا هم

موسیقی آن در خوانش هموارتر است و هم دارای سه وجه ایهامی است که با زبان و سبک حافظ، هم‌خوانی و هم‌خونی بیشتری دارد. ایهام‌های سه‌گانه‌ی نهفته در ترکیب «طریقت مهر»، عبارتند از: ۱- طریق و آیین مهرپرستی ۲- طریق عشق و محبت ۳- خورشیدگونگی.

در خوانشی که طریقت را به مهر اضافه می‌داند، «هوا» فاعل بیت است و با توجه به باور گذشتگان که هوا را ماده‌ی سیال غیرمرئی و بر فراز خاک می‌دانستند و آن را مترادف آسمان می‌گرفتند (دهخدا، لغت‌نامه، زیر هوا) منظور از هوا، مطلق «آسمان» است و سپیده‌دم نیز قید زمان و در معنای سحرگاه و بر این اساس، معنای ساده و روان بیت این می‌شود که: هوا یعنی آسمان، از دوستان و عاشقان تو در سلوک مهرپرستی آموخته است که در هنگام سپیده‌دم، تاریکی اطراف خود را مانند پیراهنی سیاه پاره می‌کند. در این معنا، ایهام‌های دیگر طریقت مهر، یعنی «عشق و محبت» و «خورشیدگونگی» نیز به روشنی جلوه‌گرند و گویی هوا یا آسمان، در هجران معشوق و از شوق آمدن او پیراهن سیاه خود را چاک می‌زند. ناگفته نماند که با این خوانش و معنا، ممکن است برای برخی از خوانندگان شعر، این تصور به وجود بیاید که «سپیده‌دم» فاعل است؛ در حالی که هرگز این گونه نیست؛ زیرا در صورتی که سپیده‌دم را فاعل بگیریم، لفظ «هوا»، به صورت حشوی قبیح باقی می‌ماند!

حال اگر «طریقت مهر» را با مکتب بعد از طریقت بخوانیم - که البته در خوانش نیز به نرمی و همواری خوانش «طریقت مهر» به صورت ترکیب اضافی نیست - باید «سپیده‌دم» را فاعل و «مهر» را مفعول بگیریم و به جای ضبط «هوا»، ضبط «سحر» را که در برخی نسخه‌ها آمده قرار دهیم و آن را قید زمان به حساب بیاوریم و بیت را این‌گونه معنا کنیم که: سپیده‌دم، مهرورزی را در سلوک خود از دوستان تو آموخته است که هنگام سحر، پیراهن تاریکی را پاره می‌کند. هرچند با این خوانش، معنای بیت، راهی به دهی دارد، با توجه به اینکه سپیده‌دم و سحر هر دو در معنا، بیانگر زمان واحدی، یعنی سحرگاهان یا صبح زودند، معنای بیت خالی از حشو و بی‌ذوقی نیست! ناگفته نماند که اگر بیت را با این خوانش در نظر